

«فرهیختگان» مساله سیاست خارجی و موضوع ایران در انتخابات ایالات متحده را بررسی کرد

# نیاز ترامپ به مذاکره؛ عملیات فریب برای انتخابات تهران

آمریکا بود و سوی دیگرش مبارزه ناموفق دولت با ابولا. نتیجه این رقابت کم آوردن دموکرات‌ها و ناتوانی از تداوم تسلط بر کنگره بود.

## اقتصاد، بهداشت و نژادپرستی

مساله دوم: نگاهی ساده به تحولات اخیر در ایالات متحده نشان می‌دهد که مهم‌ترین موضوع این روزهای مسئولان کاخ سفید برای اداره کشور، همچنین مردم و رای‌دهندگان به‌ویژه آنهایی که یکی دو ماهی هست در خیابان‌ها مشغول اعتراض هستند از سه مساله خارج نیست؛ اول موضوع سلامت که درگیرودار اپیدمی کرونا بسیار مهم و حائز اهمیت شده است. عبور آمار مبتلایان به این ویروس مهلک در آمریکا از مرز ۲/۵ میلیون نفر و جان باختن بیش از ۱۲۶ هزار نفر گویای جدی بودن این معضل در ایالات متحده است. موضوع دوم که شاید حتی از کرونا هم مهم‌تر باشد، مساله اقتصاد است که تحت‌تأثیر چندین عامل از جمله کرونا وضعیت بغرنجی را برای بسیاری از مردم در ایالت‌های مختلف آمریکا ایجاد کرده است. آمارها نشان می‌دهد این روزها ناملایمات اقتصادی در این کشور رکورد زده و شرایط را مشابه آن چیزی که در دهه ۱۹۳۰ میلادی اتفاق افتاد، کرده است. بیکاری در این کشور حدود ۲۰ درصد شده و بسته‌های چند تریلیون دلاری نیز نتوانسته مانع ورشکستگی بسیاری از نگاهاهای اقتصادی شود. مساله سوم که امروز بسیاری از معترضان به‌خاطر آن به خیابان آمده‌اند، ماجرای درگیری‌های نژادی و موضوع نژادپرستی در آمریکا است. اقلیت‌های نژادی و حتی مذهبی بیش از گذشته متأثر از رفتارهای عجیب‌وغریب حاکمیت به‌ویژه شخص دونالد ترامپ هستند و گمان می‌کنند تداوم این سیاست‌ها حتی ممکن است حیات آنها و نسل‌های آینده‌شان را به‌صورت جدی با مخاطره روبه‌رو کند. کشته شدن جورج فلوید و چند نفر حکم بنزین بر آتش معترضان به نژادپرستی را داشته و کمپین هر دو جریان اکنون درگیرودار است. جلب نظر این معترضان برای تک‌تک آرایسی هستند که در انتخابات می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد. چنانکه قبلاً گفته بودیم در ایالت‌هایی مثل کارولینای شمالی در ادوار گذشته تعداد بسیار اندکی در حد چندصد برگ تعیین‌کننده آرای نهایی الکتروکالج‌ها بوده‌اند و انتخاباتی که سرنوشتش به چندصد



مناظره جان کری اصل و محور بحث خود را روی ماجرای حمله به عراق گذاشت و از آن حتی به امنیت ملی ایالات متحده هم رسید و حتی به‌زعم بسیاری از کارشناسان و نظرسنجی‌ها توانست استدلال‌های قوی‌تری علیه جورج بوش اقامه کند و به‌نوعی پیروز نسبی مناظره با اتکا به غلط خواندن حمله به عراق باشد. علاوه‌بر این مناظره در دیگر چالش‌های رقابتی هم دموکرات‌ها تلاش کردند از جنگ عراق استفاده حداکثری ببرند، اما نتیجه انتخابات متفاوت از خواست آنها بود و عملکرد جورج بوش پسر در سیاست داخلی به‌علاوه پارامترهای بسیار متعددی که همواره به رئیس‌جمهور مستقر برای پیروزی در انتخابات کمک می‌کند، دموکرات‌ها را ناکام گذاشت.

## کرونا ۲۰۲۰ و ابولا ۲۰۱۴

دومین مورد انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا در اکتبر سال ۲۰۱۴ است. ویژگی مهم آن انتخابات که مشابهت‌هایی با رقابت ۲۰۲۰ هم دارد، این بود که ایالات متحده مثل امروز که با یک اپیدمی یعنی شیوع کرونا درگیر است، با شیوع ویروس ابولا درگیر بود. در آن زمان دموکرات‌هایی که بر قوه مجریه حاکم بودند تلاش می‌کردند از موفقیت بر داعش و مبارزه با تروریسم جهانی به‌عنوان برگ برنده خود استفاده کنند و به مردم بقبولانند که باید برای آینده امن آمریکا به آنها رای بدهند ولی در مقابل جمهوری خواهان که کمپینی تشکیل داده بودند که یک سوی آن آینده اقتصادی و امنیتی

**در شرایط فعلی احتمالاً از موضوعات اصلی در سیاست خارجی امروز آمریکا تنها مساله‌ای که ممکن است بر انتخابات این کشور اثر ویژه‌ای داشته باشد، درگیری این کشور با چین و کاهش یا افزایش صادرات آنها به خصوص در حوزه اقلام کشاورزی به چین است**

در جریان آن رقابت با وجود آنکه جان کری به‌عنوان نامزد دموکرات‌ها و دیگر هم‌حزبی‌ها و رسانه‌های منتسب به این گروه تلاش می‌کردند نقدهای گسترده‌ای را در عرصه سیاست خارجی به جورج بوش وارد کنند، اما به دلیل آنکه نتوانستند این موضوع را با اقتصاد درون آمریکا گره زده و آن را به‌عنوان مساله اصلی و چالش آتی برای ایالات متحده در افکار عمومی رسوب دهند، توفیق مهمی در این خصوص حاصل نکردند. برای بررسی دقیق‌تر می‌توان به نخستین مناظره تلویزیونی میان بوش و جان کری مراجعه کرد، مناظره‌ای که حدوداً یک ماه پیش از برگزاری انتخابات ۲۰۰۴ برگزار شد. در آن

پذیرفتن نظر گروه دوم مساوی قبول محبرالقول نبودن اثر سیاست خارجی در مساله اداره کشور است و در ماه‌های پیش رونیز توصیه می‌کند مسئولان به سمت‌وسوی دیگری برای اداره کشور بروند. بررسی و پاسخ به این مساله از دو وجه امکان‌پذیر است؛ اول اینکه انتخابات‌های گذشته در ایالات متحده را بررسی کنیم و از آنها مصادیقی را به سنجش بگذاریم و دومین وجه هم بررسی وضعیت کنونی انتخابات و تأثیر مسائل اجتماعی-سیاسی در رای‌آوری هرکدام از نامزدهای نهایی این رقابت است.

## کمپین تبدیل جنگ عراق به‌عنوان خطای راهبردی و دردسرس‌آفرین بوش

مساله اول: دو نمونه از انتخابات‌های ایالات متحده را بررسی می‌کنیم. ارزیابی این دو که مصادیقی نه‌چندان قدیمی و نسبتاً اخیر هستند نشان‌دهنده وضعیت نسبی درون آمریکاست. اولین مورد انتخابات سال ۲۰۰۴ است، یعنی همان انتخاباتی که جورج دبلیو بوش برای بار دوم توانست به پیروزی برسد و برای یک دوره دیگر در کاخ سفید ماندنی شود. در آن سال‌ها مهم‌ترین مساله سیاست خارجی ایالات متحده مساله جنگ با عراق بود یا بهتر بگویم جنگ با افغانستان و عراق دو موضوعی که در واقعیت شاید دستاوردهای تبلیغاتی جورج بوش را به‌هیچ‌عنوان در بر نداشت و نماد این مساله در جریان رقابت‌های انتخاباتی و تصویری که رقبای برخی رسانه‌ها از عملکرد بوش ارائه می‌دادند، مشخص بود.

## ظهوروند در گفت‌وگو با فرهیختگان:

### نسبت «بزرگنمایی نیاز ترامپ به مذاکره» با انتخابات ۱۴۰۰ چیست؟



رویکرد نوع هماهنگی داخلی و بیرونی درباره تحریم‌ها دیده می‌شود. «ظهوروند با بیان اینکه این جریان ادعا می‌کند ما مذاکره کردیم تا کشور را از تحریم نجات دهیم و به همین دلیل «تحریم» اسم‌رمز عبور از انقلاب است، گفت: «بانگاهی به پرونده غریب‌گرایان در بخشی از ساختار اقتصادی ببینید چه وضعیتی وجود دارد، از جمله در صنعت خودروسازی، بانکداری و نفت که دچار مشکل هستیم.» این کارشناس مسائل بین‌الملل اظهار داشت: «برخی چماق تحریم را برای اوادادگی و واگذاری ظرفیت‌های ملی به کار می‌گیرند، از این رو باید کارنامه این دو جریان را بررسی کرد که مشخص شود آنها نمی‌توانند از ادعاهای خود دفاع کنند، چراکه اگر قرار بود برجام میوه بدهد در گذشته داده بود.» به گفته وی اروپایی‌ها که تا این حد دولت فعلی به آنها امیدوار بود، امروز باید برای ما کاری می‌کردند، نه اینکه در شورای حکام علیه ایران قطعنامه بدهند، هرچند این قطعنامه‌ها کم‌اکنون کاغذپاره است. ظهوروند یادآور شد: «اگر قرار بود ما طبق قطعنامه‌ها انقلاب کنیم یا هشت سال دفاع مقدس را پیش ببریم، آنها موافق هیچ‌یک از این اقدامات نبودند، لذا قرار نیست در راستای اراده بیگانه و غریب‌گرایان به مسیر انقلاب ادامه دهیم.» این کارشناس مسائل بین‌الملل با تأکید بر اینکه ضعف و مشکل فکری این جریان در کشور غریب‌گرایان را به‌سمت مذاکره با آمریکا سوق می‌دهد، گفت: «چنانچه آنها تا ۱۴۰۰ نتوانند کارت برتری خود را روی میز بگذارند برای همیشه به موزه سیاسی سپرده می‌شوند و نگرانی آنها هم این است که روسیاه می‌شوند.» وی همچنین افزود: «وقتی به‌سمت ترامپ به‌معنای زدن ضربه دیگری به سیاست کشور و انقلاب اسلامی است و هیچ‌مفهومی جز این نیز ندارد.»

## امیرعلی ابوالفتح در گفت‌وگو با فرهیختگان:

### چرا مساله ایران جزء اولویت‌های اصلی رای‌دهندگان آمریکایی نیست؟



امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا در گفت‌وگو با «فرهیختگان» نسبت سیاست خارجی با انتخابات و رای مردم در ایالات متحده را بررسی و توضیحاتی در این خصوص ارائه کرد. وی در ابتدای این گفت‌وگو با اشاره به اینکه انتخابات در ایالات متحده مانند بسیاری دیگر از کشورهای بیشتر تحت‌تأثیر تحولات داخلی به‌ویژه مسائل اقتصادی و معیشتی و برخی مسائل اجتماعی و فرهنگی است، گفت: «در آمریکای امروز اولویت بسیاری از مردم، موضوعات اقتصادی مانند اشتغال و رونق کسب‌وکار است و هر نامزدی که برنامه جذاب‌تری داشته باشد و در مقام تصدی امور اجرایی عملکرد بهتری از خود در این حوزه نشان دهد، بهتر می‌تواند به کسب رای بپردازد. از این لحاظ مسائل سیاست خارجی جزء اولویت‌های اصلی و درجه اول مردم نیست، مگر اینکه در این حوزه موضوعاتی وجود داشته باشد که ذیل آن و در اثر تصمیم‌گیری دولت درخصوص آنها، موضوعات داخلی از جمله مسائل اقتصادی یا امنیتی تحت‌تأثیر قرار گیرد. به‌عبارتی اگر مساله و موضعی در سیاست خارجی بتواند وضعیت اقتصادی مردم آمریکا را بهتر کند جامعه از آن حمایت خواهد کرد و اگر برعکس، مساله‌ای اثر سوء بر اقتصاد یا بر امنیت جانی مردم داشته باشد، مردم حتماً از آن گریزان خواهند بود. از این جهت فعلاً سیاست خارجی در اولویت ذهنی مردم درون آمریکا نیست، مگر اتفاقاتی در سطح جنگ ویتنام، موضوع ۱۱ سپتامبر، جنگ عراق و... به‌دلیل بار مالی به رفاه اقتصادی مردم لطمه زد و جان سربازان آمریکایی را به‌خطر انداخت. از این رو سیاست خارجی در سال ۲۰۲۰ هم جایی اهمیت دارد که بر زندگی مردم به‌صورت مستقیم اثر داشته باشد.» وی درخصوص مصادیق چنین مساله‌ای در انتخابات ۲۰۲۰ ایالات متحده هم گفت: «جنگ تجاری با چین و رقابتی که ایالات متحده امروز با چینی‌ها شکل داده از جمله مسائلی است که می‌تواند بر نظر مردم آمریکا مؤثر باشد. هر تصمیم و نظری که مردم احساس کنند به‌وسیله آن رونق اقتصادی درون این کشور ایجاد می‌شود مورد حمایت قرار می‌گیرد و برعکس اگر نامزدی نظری ارائه دهد که مردم گمان کنند تأثیر منفی بر زندگی آنها خواهد داشت از آن رویگردان می‌شوند.» ابوالفتح با بررسی برخی مصادیق تاریخی در این زمینه گفت: «تأثیر سیاست خارجی بر انتخابات تنها در چند نمونه تاریخی در انتخابات آمریکا قابل مشاهده است، مسائلی که آنقدر بزرگ باشد که بتواند رای‌ها را درون ایالات متحده تغییر دهد، مثلاً انتخابات ۱۹۶۸ یکی از آنهاست. این انتخابات

ابوالفضل ظهوروند، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان» با اشاره به بزرگنمایی نیاز ترامپ به مذاکره با ایران از سوی برخی فعالان سیاسی در داخل، گفت: «برخی غریب‌گرایان در داخل حکومت و سیاست‌تلاش دارند که بگویند ترامپ سدیداً نیازمند مذاکره است و از این رو آمادگی دادن هرگونه امتیازی را دارد.» این کارشناس مسائل بین‌الملل ادامه داد: «آیا صرفاً نشستن بر سر میز مذاکره و گرفتن عکس یادگاری نتیجه کار تلقی می‌شود یا اینکه ترامپ باید نشان دهد من موفق شدم ایران را به‌عنوان تهدید امنیت ملی ایالات متحده و نظام بین‌الملل سر میز مذاکره بیاورم و او را در مهار و کنترل خود بگیرم؟» وی افزود: «غریب‌گرایان داخلی این موضوع را روشن کنند مذاکرات برپایه چه تضمینی است که فکر می‌کنند موفق می‌شوند درحالی‌که حتی از مذاکره با جان کری نتوانستند چیزی به‌دست آورند؟ جان کری در کنگره آمریکا گفت ما هرچه می‌خواستیم از ایران گرفتیم و هیچ امتیازی نیز ندادیم.» ظهوروند ادامه داد: «ترامپ شرایطی دارد که حتی مردم داخلی آمریکا هم به او اعتماد ندارند، زیرا به‌عنوان یک سروکبگ ظاهر شده، بنابراین سوال این است که با چنین شخصی به کجا می‌خواهیم برسیم؟» این کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به دلایل بزرگنمایی نیاز ترامپ به مذاکره با ایران و ارتباط داشتن آن با انتخابات ۱۴۰۰ گفت: «بزرگنمایی برای نیاز ترامپ به مذاکره درحالی‌است که او قرار نیست هیچ امتیازی به ایران بدهد، اکنون پرسش این است که آیا آنها می‌خواهند با چنین کاری به کمک ترامپ بروند یا به حساب خود مسائل را با مذاکره حل کنند؟» ظهوروند یادآوری مسیری که کره شمالی با ترامپ طی کرد، اما این مسیر گفت‌وگویند از بین رفت، اظهار داشت: «اگر قرار بود ترامپ به کسی امتیاز دهد اول به کره شمالی که در آن سطح وارد مذاکره شد یا دولت افغانستان که سرسپرده آمریکاست، امتیازی داده‌به‌تهران، بنابراین قرار نبوده آمریکا چیزی به ایران بدهد، بلکه آمریکا صرفاً می‌خواهد بگوید من به‌عنوان کدخدا نتوانستم کشورهای شور را بر سر بره کنم.» این کارشناس مسائل بین‌الملل با بیان اینکه مساله بر سر این است که ساده‌لوحی و وابستگی این جریان سبب طرح مجدد مذاکره شده است، درباره شرایط متشنج اقتصادی و اینکه برخی مذاکره در این شرایط را خودکشی می‌دانند، اظهار داشت: «مشکل ما به‌هیچ‌عنوان تحریم نیست، چراکه این تحریم‌ها سالها ۴۰ ساله دارد و هرگاه به‌ظرفیت‌های خودمتکی شدیم مساله‌مان را حل کردیم و نتوانستیم به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای ظاهر شویم.» وی بر همین اساس خاطر نشان کرد: «این جریان وابسته با بزرگنمایی تحریم می‌خواهد مانع از این شود که ظرفیت‌های کشور به‌فعلیت برسد و از این